

نتیجه و پاسخ در مقام دوم

چگونه معلم می تواند هدف محتوای آموزشی را تشخیص دهد

دکتر لیلا سلیقه دار
تصویرگر: پیمان رحیم زاده



از آنجا که هدایت یاددهی-یادگیری تنها با تکیه بر برنامه درسی ممکن است، میزان توانایی معلم و مربیان در تدریس، ارتباط معناداری با میزان آگاهی آنان از برنامه درسی دارد. بر این اساس، نوشته پیش رو در ادامه مقاله شماره قبل (ضرورت تغییر در برنامه درسی از طریق نگاه تطبیقی به ایران و دیگر کشورها)، می کوشد با گامی دیگر در عرصه برنامه درسی، موضوع پراهمیت «هدف و جایگاه آن در برنامه درسی» را نمایان سازد.

**اگر معلم خود
نیز نسبت به
شناسایی هدف
مشکل
داشته باشد و
هدف اصلی از
تدریس یک
بخش را نداند
یا نتواند مقصود
نهایی از انجام
یک فعالیت
را درک کند،
چه اتفاقی
خواهد افتاد و
نتیجه یادگیری
دانش آموزان
چگونه
خواهد بود؟**

بیراهه ها در مسیر هدف

آیا تاکنون شده است که پس از پایان یافتن تدریس، با دانش آموزانی روبه رو شوید که به جای دریافت هدف مورد نظر شما، به نتیجه دیگری رسیده باشند؟ نمونه ای از این تجربه را می آوریم. البته این مثال تنها به بخشی از کلاس مربوط می شود و تا پایان جلسه درس، این امکان برای معلم وجود داشته است که بتواند مسیر یادگیری دانش آموزان خود را به سوی هدف مورد نظر بازگرداند.

«در تدریس کلمات قابل شمارش و غیرقابل شمارش در زبان انگلیسی پایه هشتم، تصمیم گرفتم از شیوه های نوین یاددهی-یادگیری استفاده کنم. به نظرم رسید مناسب ترین آن ها در این درس، روش تدریس دریافت مفهوم است. بنابراین، تعدادی کلمه را در دو ستون قابل شمارش و کلمات غیرقابل شمارش آماده کردم:

کلمات غیرقابل شمارش	کلمات قابل شمارش
water	book
milk	pen
rain	pencil

سپس از دانش آموزان خواستم به تفاوت ها و شباهت های کلمات داده شده در هر دسته اشاره کنند. دانش آموزان در گروه های چند نفره قرار گرفتند و کار مباحثه بین آن ها آغاز شد. من هم در بین آن ها حرکت می کردم تا از نحوه بحث و گفت و گویشان مطلع شوم و جریان را هدایت کنم. در اولین گروه متوجه شدم دانش آموزان تنها تفاوت این دو دسته از کلمات را در این می دانند که دسته اول لوازم تحریر هستند و دسته دیگر نیستند. این سوء برداشت در گروه دیگر نیز به این صورت بود که اشیای دسته اول جامد و اشیای دسته دوم مایع هستند. در حالی که هدف من از ارائه این کلمات، تشخیص قابلیت یا عدم قابلیت شمارش بود، بنابراین دریافتیم که من نمونه ها را به گونه ای انتخاب کرده ام که دانش آموزان ناخود آگاه به سوی مفاهیم و تعاریف دیگری رفته اند و کاملاً از هدف مورد نظر من فاصله گرفته اند.»

در نمونه ذکر شده، حضور معلم در بین دانش آموزان، موجب شد با پی بردن به مواردی که

در حال انحراف درس از موضوع اصلی بود، بتواند روش خود را اصلاح کند. بنابراین تصور می‌کنید که اگر معلم خود نیز نسبت به شناسایی هدف مشکل داشته باشد و هدف اصلی از تدریس یک بخش را نداند یا نتواند مقصود نهایی از انجام یک فعالیت را درک کند، چه اتفاقی خواهد افتاد و نتیجه یادگیری دانش‌آموزان چگونه خواهد بود؟ برای نمونه، اگر فعالیتی فرایندمحور در محتوای یک کتاب درسی قرار گیرد، نتیجه و یافتن پاسخ در درجه دوم اهمیت قرار می‌گیرد و درگیر شدن دانش‌آموز با مراحل و فرایند انجام فعالیت مهم خواهد بود. در این شرایط، اگر معلم تنها بر یافتن یک پاسخ درست تأکید کند، تمام اهداف متصور از آن فعالیت را زیر سؤال می‌برد.

پرهیز از بیراهه

حال پرسش این است که چگونه معلم می‌تواند هدف و قصد اصلی در هر محتوای آموزشی را تشخیص دهد و خود را با مسیر و فرایندی که در برنامه درسی، به‌عنوان شیوه مناسب یاددهی - یادگیری، انتخاب و تعیین شده است هماهنگ کند؟ پاسخ به این سؤال، اشاره به توانمندی خاصی در معلم می‌کند که پایه و ریشه آن در آگاهی معلم از برنامه درسی نهفته است. به‌عبارت دیگر، برنامه درسی مسیر حرکت مربی و معلم را به‌سوی اهدافی که در همان برنامه معین و تدوین شده است، تعیین می‌کند. هدف مورد نظر در هر برنامه درسی، شیوه ارائه و مسیر حرکت، محتوای مورد نیاز و در نهایت نحوه ارزشیابی از آنچه را به‌دست آمده است، تعیین می‌کند. برای نمونه، محتوایی که به‌منظور تقویت توان ذهنی دانش‌آموزان طراحی و تدوین شده است، شامل فعالیت‌هایی است که در آن انتظار می‌رود معلم در کنار دانش‌آموزان و بدون تعجیل در دریافت نتیجه، زمینه را برای تفکر و تبادل نظر دانش‌آموزان فراهم کند و بتواند صبورانه به نظرات هر چند ناکامل دانش‌آموزانش توجه کند. در چنین وضعیتی، اگر معلم با شاکله اصلی برنامه درسی آشنا نباشد، ممکن است مطابق برخی دیگر از محتوای آموزشی، به شیوه سنتی تدریس کند و اجازه و فرصت تفکر در آن درس را از دانش‌آموزان خود بگیرد.

بر این اساس، هدف و شناسایی آن در برنامه درسی از طرف معلم، اهمیت بسیاری دارد. بنابراین هر معلم باید با برنامه درسی آشنا شود و بداند که هدف‌ها در برنامه درسی چگونه به‌دست می‌آیند. در ادامه، تعریف‌ها و ملزوماتی را که معلم در شناخت برنامه درسی بدان نیازمند است ارائه می‌دهیم.

در طراحی برنامه درسی، سؤالاتی مطرح می‌شود که پاسخ به هر یک، تعیین‌کننده چارچوب آن خواهد بود، به این ترتیب که:

● ابتدا سؤال می‌شود «چه چیزی قرار است آموزش داده شود؟» پاسخ این سؤال، روشن‌کننده محتوای آموزشی مورد نظر است.

● پرسش «چقدر»، به حجم محتوا در برنامه درسی اشاره دارد.

● سؤال «کی»، زمان و سن آغاز و پایان در هر محتوا را نشان‌دهنده می‌کند.

● سؤال «کدام قسمت از اجزا و عناصر باید به هم مرتبط و یا از هم جدا نگه داشته شود»، دربردارنده ارتباط عمودی و افقی بین دروس است.

اکنون، به نظر شما آیا سؤالات یاد شده، چارچوب کاملی از برنامه درسی را در دل خود دارد؟ جای چه سؤال دیگری در این بین خالی است؟

● مهم‌ترین پرسش در طراحی برنامه درسی، که به نوعی تفاوت آن با برنامه‌های درسی سنتی است، این است که «چرا و برای چه باید محتوایی خاص مورد توجه قرار گیرد؟»

● در این نگاه به تدوین برنامه درسی، هدف بر ماده درسی تقدم دارد و آنچه موجب انتخاب یک محتوا به‌عنوان منبع یادگیری می‌شود، هدف است.

در اینجا سه سؤال قابل طرح است:

● به‌نظر شما دانش‌آموزان در کلاس شما و در مدرسه در درجه اول چه چیزی را باید فراگیرند؟

● برنامه‌های آموزش و پرورش چه نقص یا مشکلی دارند که نیازمند اصلاح‌اند؟

● از نظر شما شرایط فعلی آموزش و پرورش چه فاصله‌ای، و در چه زمینه‌ای، با نقطه مناسب و شایسته خود دارد؟

پاسخ به سه سؤال یاد شده، نیاز را در آموزش و پرورش معنا می‌کند و این همان جایی است که هدف‌گذاری در برنامه‌دستی از آن آغاز می‌شود.

در تعیین هدف‌ها، علاوه بر نیازها، به «نظام اعتقادی و ارزشی» به‌عنوان اصلی‌ترین منبع توجه می‌شود.

اهداف تربیتی و آرمانی معمولاً از منبع نظام اعتقادی و ارزشی استخراج می‌شود.

ویژگی مهم اهداف تربیتی و آرمانی آن است که در همهٔ درس‌ها و محتواهای آموزشی قابل توجه و ارائه است.

«یادگیری» منبع دیگر تعیین هدف در برنامه‌دستی است.

هنگامی که در نظام یادگیری بر «مهارت‌های ذهنی» به‌جای «اطلاعات و مفاهیم متراکم» در برنامه‌دستی تأکید می‌شود، هدف نیز کاملاً تغییر می‌کند.

هدف تغییر یافته براساس نظام یادگیری، موجب تغییر در محتوا، نوع سازمان‌دهی محتوا، تجربیات یادگیری، راهبردهای یاددهی - یادگیری و ارزشیابی می‌شود.

محتوای آموزشی تحت تأثیر مستقیم «نظام یادگیری» مورد نظر طراحی و تدوین می‌شود.

هدف در برنامه‌دستی باید متناسب با شرایط و امکانات جامعه و نیازهای آن تعیین شود. بر این اساس «جامعه» عامل دیگری در تعیین هدف در برنامه‌دستی است.

با این توجه، در صورتی هدف کتاب «کار و فناوری» در دورهٔ متوسطهٔ اول، برخاسته و منطبق با جامعه است که مدارس و جامعهٔ محیطی دانش‌آموزان از امکانات لازم برای انجام فعالیت‌های مورد انتظار در آن کتاب برخوردار باشند.

لازم به یادآوری است که در نگاه نظام‌دار به آموزش و پرورش، مدرسه تنها منبع یادگیری محسوب نمی‌شود و تمام امکانات اعم از آنچه دانش‌آموز می‌تواند در فضایی خارج از مدرسه به آن دست یابد نیز منبع به‌حساب می‌آیند.

«توانایی‌های ذهنی و علاقه‌ها و نیازهای دانش‌آموزان» در هر دوره و پایهٔ تحصیلی از دیگر موارد تأثیرگذار در تعیین اهداف برنامه‌دستی است.

هنگامی که هدف با توانایی دانش‌آموزان که به‌صورت میانگین و برآیندی از جامعهٔ مورد نظر قرار می‌گیرند منطبق باشد، انتظار می‌رود محتوای طراحی شده بر این اساس نیز با سطح درک دانش‌آموز انطباق داشته باشد.

«ساختار رشتهٔ علمی» هر درس نیز از دیگر منابعی هستند که در تعیین اهداف در برنامه‌دستی مورد نظر قرار می‌گیرند.

هر رشتهٔ علمی «مفاهیم و اصول اساسی» دارد که باید در تعیین اهداف برنامه‌دستی آن رشته مورد توجه قرار گیرند، مانند مفهوم مولکول در علوم تجربی.

در هر رشتهٔ علمی، «مهارت‌ها و نگرش‌هایی خاص» حاکم است که در تعیین اهداف آن رشته اهمیت بالایی دارد. برای مثال، داشتن روابط انسانی مطلوب با دیگران، مهارتی قابل بررسی در علوم اجتماعی است.

هر علمی از شیوهٔ خاصی توسعه می‌یابد که از آن به‌عنوان «روش تحقیق» همان درس یاد می‌شود و توجه به این مهم در تعیین هدف آن رشتهٔ علمی، موجب می‌شود دانش‌آموزان ضمن آشنایی با شیوهٔ توسعهٔ آن علم، موجب گسترش آن نیز شوند.

با این توجه، تعیین تکالیفی یکسان در اغلب دروس، با عنوان تحقیق، که در آن دانش‌آموزان ناگزیر به جمع‌آوری اطلاعات صرف از اینترنت و فضاهای مجازی هستند، غیرمنطقی و غیراصولی به‌نظر می‌آید.

از دیگر منابعی که در تعیین هدف برنامه‌دستی در هر رشتهٔ علمی مورد توجه قرار می‌گیرد، «هدف‌های خاص» آن رشته است. برای مثال، آشنا شدن با مفهوم «گروه و جامعه»، هدفی خاص در علوم اجتماعی محسوب می‌شود.

با توجه به آنچه در تعیین هدف در برنامه‌دستی اشاره شد، آیا با مباحثی در محتوای آموزشی خود روبه‌رو هستید که اکثر دانش‌آموزان کلاس با فهم و درک آن مشکل داشته باشند؟ در این صورت، باید این پرسش مطرح شود که آیا شیوهٔ مناسبی برای ارائه انتخاب کرده‌اید؟ آیا از امکانات و فعالیت‌های لازم بهره برده‌اید؟ و سؤال مهم‌تر اینکه، آیا هدف مورد نظر در یک محتوا را به‌درستی تشخیص داده‌اید؟